

مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض

اسرار تجاری در فضای دیجیتالی^۱

دکتر محسن صادقی *

پذیرش: ۸۹/۳/۲۰

دریافت: ۸۸/۳/۶

اسرار تجاری / محیط دیجیتالی / کنوانسیون بروکسل / کنوانسیون لاهه / وایپو / حقوق بین‌الملل خصوصی / مرجع صالح / حقوق ایران

چکیده

حمایت از اسرار تجاری به عنوان اطلاعاتی محرمانه و حاوی ارزش تجاری که موجب برتری یک تاجر بر سایر رقبای تجاری اش می‌گردد، از اهمیتی فراوان برخوردار است. با این حال، طبیعت خاص اسرار تجاری باعث شده است که حمایت حقوقی از آن برخلاف دیگر قالب‌های مالکیت فکری، چندان قوی و موثر نباشد؛ وانگهی گسترش فضای بدون مرز ناشی

۱. مناسب است که خوانندگان محترم، پیش از ورود به بحث اصلی، به چند نکته در خصوص گستره مقاله توجه نمایند: نکته نخست اینکه علت محدود شدن موضوع نوشتار به نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی آن است که اولاً: میزان نقض اسرار تجاری الکترونیکی از میزان نقض بسیاری از مصادیق مالکیت فکری بیشتر بوده و دعاوی بیشتری را به خود اختصاص داده است؛ ثانیاً: ضعفتر بودن قالب اسرار تجاری باعث شده است تا مسائل حقوقی حمایت از صاحب اسرار در برابر نقض‌کننده از اهمیت بیشتری برخوردار گردد؛ ثالثاً: برخلاف علامت تجاری و اختراعات که دارای مقررات نمونه متحدالشکل منطقی ای و بین‌المللی نظیر «مقررات راجع به علامت تجاری جامعه اروپا» و «کنوانسیون اروپایی حق اختراع»، در خصوص اسرار تجاری نه در محیط دیجیتالی و نه محیط فیزیکی، مقررات متحد‌الشکلی تهیه نشده است و این‌خلا، چالش‌های تعیین مرجع صالح رسیدگی را میان کشورها بیش از موضوعاتی چون علامت تجاری و اختراع می‌کند. نکته دوم اینکه در این مقاله فرض بر این گذاشته شده است که نقض حق محرز و ناقض حق شناسایی شده است بنابراین ما به چالش‌ها و شیوه‌های تشخیص نقض حق یا شناسایی شخص ناقض اسرار تجاری نخواهیم پرداخت؛ نکته سوم اینکه از میان مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی، مقاله حاضر تنها به معیارهای تعیین دادگاه صالح می‌پردازد و معیارهای تعیین قانون حاکم بر دعوی در مقاله‌ای مجزا مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ همچنین معیارهای تعیین دادگاه صالح، صرفاً در دعاوی حقوقی یا مدنی مورد توجهند نه دعاوی کیفری؛ و بالاخره نکته آخر اینکه هر چند مرجع صالح به رسیدگی می‌تواند قضایی، شبه قضایی یا غیر قضایی باشد اما با توجه به اهمیت ویژه مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی، تاکید مقاله بیشتر بر معیارهای تعیین دادگاه صالح است با این حال در مواقع مقتضی از سایر مراجع نیز سخن به میان خواهیم آورد.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه مطالعات و پژوهش‌های حقوق اقتصادی و بازرگانی

از پدیده اینترنت، بر چالش‌های حمایت از اسرار تجاری افزوده است زیرا امکان نقض حق از سوی میلیون‌ها کاربر در بستر مبادلات الکترونیکی فراهم شده و نظارت قوی حقوقی بر آنها وجود ندارد. این چالش‌های حقوقی زمانی بیشتر می‌شود که صاحب این اسرار به عنوان زیان‌دیده با این سوال بزرگ روبرو است که در دعوا علیه یک نقض‌کننده خارجی، کدام دادگاه و مرجع، صلاحیت رسیدگی به دعوای الکترونیکی را دارد بخصوص آنکه در خصوص اسرار تجاری برخلاف علامت تجاری و اختراعات، مقررات متحدالشکل منطقه‌ای یا بین‌المللی وجود ندارد. برغم اهمیت موضوع، بحث تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعوای نقض مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری در محیط دیجیتالی، در ادبیات حقوقی ما چندان مورد توجه قرار نگرفته است لذا این مقاله درصدد است تا با مطالعه تحلیلی و تطبیقی موضوع در چند سند بین‌المللی و چند کشور از جمله ایران، ادبیات جدیدی را در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی و مالکیت فکری در محیط دیجیتالی تولید کند.

طبقه‌بندی JEL: N10, L25.



مقدمه

محیط اینترنتی، چالشها و تغییرات وسیعی را در زمینه حمایت از مالکیت فکری بوجود آورده و از این رو، حمایت از این حقوق در محیط دیجیتالی، با محیط فیزیکی تفاوت‌های فنی و حقوقی دارد. در این میان، حمایت حقوقی از اسرار تجاری، ضعیف‌تر از قالب‌های دیگر حمایت از حقوق مالکیت فکری^۱، است و به همین دلیل، یکی از نویسندگان، از اسرار تجاری به «دارایی‌های ظریف و شکستنی»^۲ تعبیر کرده است.^۳ مهمترین دلیل برای این امر، به ماهیت و طبیعت اسرار تجاری باز می‌گردد زیرا ارزیابی اینکه یک اطلاعات به عنوان سرّ تجاری محسوب شوند یا خیر و نیز ارزش واقعی یک سرّ تجاری، تنها زمانی روشن می‌شود که به دست رقیب بیفتند؛ وانگهی، اسرار تجاری بر خلاف حقوق مالکیت ادبی و هنری (کپی رایت) و علامت تجاری، زمانی حمایت شده و سودمند هستند که سری مانده و وارد حوزه عموم نشوند^۴؛ به تعبیر دیگر، قسمت عمده‌ای از حمایت این اسرار، بر عهده خود صاحب اسرار است. اما در کنار دو عامل فوق، امروزه پدیده‌ای نوین به نام گسترش فضای دیجیتالی نیز حمایت از اسرار تجاری را دشوارتر و تاثیر حقوقی این قالب حمایتی را بسیار ضعیف‌تر ساخته است چرا که اولاً: دسترسی بیش از یک میلیارد کاربر به شبکه گسترده جهانی^۵، خطر نقض حق صاحبان اسرار تجاری را بنحو قابل توجهی افزایش داده است^۶ برای نمونه، شخصی با آگاهی یافتن از اسرار تجاری یک شرکت و به قصد افشای آن در سطح جهانی، آن را از طریق اینترنت در اختیار کاربران قرار دهد؛ ثانیاً: تجارت الکترونیکی از طریق اینترنت، قابلیت جابه‌جایی زیاد اطلاعات در محیط مجازی را تشدید کرده و در نتیجه کنترل شرکت‌ها بر اطلاعات را کاهش داده است زیرا فایل‌های ذخیره شده و ارتباط اینترنتی و حافظه کامپیوتر، این انتقال را تسهیل کرده‌اند.^۷ به علاوه، اینترنت، امکان شناسایی شخص حقیقی یا حقوقی نقض‌کننده حق را به حداقل رسانده

1. Intellectual Property Rights (IPRs)

2. Fragile Assets

3. Halligan, (2006), p.1

۴. نوری و نخجوانی، (۱۳۸۲)، ص ۲۱۷.

5. WWW

6. Fox, (2002), p.4.

7. Russo, Risch and Mullarkey, (2001), p.1.

است و از این حیث نیز صاحبان اسرار تجاری نسبت به افشای آن در محیط دیجیتالی، آسیب پذیرتر از محیط فیزیکی شده‌اند^۱ از این رو سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) برای حمایت بیشتر از حقوق صاحبان مالکیت فکری در برابر نقض حق در محیط الکترونیکی، رهنمودهایی را به کشورهای عضو ارائه داده است.^۲ دشواری احقاق حق در محیط دیجیتالی به تعیین نقض کننده سرّ تجاری محدود نمی‌گردد بلکه در دعاوی بین‌المللی راجع به نقض سرّ تجاری، معضل حقوقی تعیین دادگاه و مرجع صالح به رسیدگی نیز پیش می‌آید زیرا محیط دیجیتالی با مشخصات منحصر به فرد خود، مرزها را در نوردیده و جهانی بدون مرز را برای انسان امروزی ایجاد کرده است و از این رو این محیط، غالباً اشخاصی را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد که در کشورهای گوناگون اقامت دارند و این مساله، بر اهمیت تعیین مرجع صالح رسیدگی در فضای دیجیتال، افزوده است. برای مثال، اگر اسرار تجاری یک شرکت ایرانی توسط شرکت رقیب تایلندی در انگلستان افشا شود، این پرسش اساسی و فنی مطرح می‌شود که کدام دادگاه یا مرجع، صالح به رسیدگی خواهد بود؟

این مبحث یکی از مباحث جدید حقوق بین‌الملل خصوصی در حوزه حقوق مالکیت فکری دیجیتالی است که تاکنون در ادبیات حقوقی ما مورد توجه جدی قرار نگرفته است^۳ و این مقاله درصدد است تا معیارها و رویه‌های تعیین دادگاه و مرجع صالح به رسیدگی در دعاوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی را با مطالعه تطبیقی در چند سند بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط و حقوق ایران مورد بررسی قرار دهد تا ضمن تولید ادبیات حقوقی پارسی در حوزه حقوق بین‌المللی خصوصی و مالکیت فکری در محیط دیجیتالی، محققان و

۱. صادقی، (۱۳۸۶)، صص ۲۵۹-۲۸۵.

2 - WIPO, (2009), pp.1-10.

۳. لازم به ذکر است که نویسنده این مقاله در کتاب تالیفی خود تحت عنوان «حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی»، به نحوه حمایت از حقوق مالکیت فکری از جمله مالکیت ادبی و هنری، حقوق مرتبط، اختراعات، علائم تجاری و اسرار تجاری و چالش‌های این حقوق در محیط مجازی پرداخته است با این حال بدلیل گستردگی بحث، کتاب مورد اشاره به مقوله حقوق بین‌الملل خصوصی در فضای دیجیتالی یعنی تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم، نپرداخته است یعنی در این کتاب مشخص نشده است که اگر حقوق مزبور در فضای دیجیتالی نقض شود، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؛ لذا این مقاله تکمیل کننده مطالب کتاب مزبور است.

علاقمندان حوزه مالکیت فکری را با جدیدترین تحولات حقوقی در این زمینه آشنا سازد. بر این اساس، مقاله حاضر در سه گفتار ارائه می‌شود: در گفتار نخست، به کلیاتی از مفهوم اسرار تجاری و تاثیر محیط دیجیتالی بر محتوای این مفهوم می‌پردازیم. در گفتار دوم، معیارهای تعیین مرجع صالح در دعاوی بین‌المللی نقض اسرار تجاری در این محیط را بررسی می‌کنیم و در گفتار پایانی، جایگاه موضوع را در حقوق ایران، نقد کرده و ضمن اشاره به نارسایی‌های موجود، راهکارهای روشن و وضع مطلوب را به قانونگذار پیشنهاد می‌نماییم.

۱. مفهوم اسرار تجاری و تاثیر فضای دیجیتالی بر این مفهوم

پیش از ورود به بحث اصلی مقاله، مناسب است تا با مفهوم اسرار تجاری آشنایی اجمالی پیدا کرده (بخش اول) و سپس تاثیر پیدایش محیط دیجیتالی را بر دایره این مفهوم بررسی کنیم (بخش دوم):

۱-۱. مفهوم اسرار تجاری

در مورد سر تجاری، هیچ تعریف جهانی پذیرفته شده‌ای وجود ندارد؛^۱ از این رو در قوانین و آرای محاکم کشورهای مختلف، تعاریف گوناگونی دیده می‌شود. برای مثال، ماده ۴ از بخش ۱ قانون متحدالشکل اسرار تجاری^۲ ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۵) که در اکثر ایالات پذیرفته شده است، مقرر می‌دارد: «سر تجاری به معنای اطلاعاتی است که شامل یک فرمول، الگو، ترکیب، برنامه، وسیله، شیوه، روش، یا فرایندی می‌شود که: ارزش بالفعل یا بالقوه اقتصادی مستقل آن از چیزی ناشی می‌شود که عموماً شناخته نبوده و از طریق وسیله خاص و توسط دیگران که می‌توانند ارزش اقتصادی آن را از طریق افشا یا استفاده، تحصیل کنند معلوم و مشخص نمی‌شوند؛ موضوع تلاشهایی باشد که بر حسب اوضاع و احوال، سرّی نگه داشتن آن، متعارف است».^۳ همچنین دادگاه‌های آمریکا در

۱. وصالی، (۷۹-۱۳۷۸)، ص ۶۶.

2. Uniform Trade Secret Act.

3- my.execpc.com/~mhalign/usta.html, (2008).

برخی آرای خود، به تعریف اسرار تجاری پرداخته اند؛ برای مثال، قاضی مگاری در پرونده Colo v. A. N. Clark Ltd، برای تبیین مفهوم سرّ تجاری چنین می گوید: «به تشخیص من، برای موفقیت در دعوی راجع به سرّ تجاری، صرفنظر از قرارداد، طبیعتاً سه عنصر لازم است: نخست، اطلاعات باید از کیفیت محرمانه بودن برخوردار باشند؛ دوم اطلاعات باید در اوضاع و احوالی طرح شده باشند که تعهد به حفظ محرمانه بودن را به دنبال خود داشته باشد؛ سوم باید استفاده غیر مجاز از آن اطلاعات منجر به ورود خسارت از سوی کسی شود که آنها را به غیر منتقل می کند». موافقت نامه تریپس سازمان تجارت جهانی در بند ۲ ماده ۳۹ خود، اسرار تجاری را اطلاعاتی می داند که الف) محرمانه باشد به این معنا اشخاص عموماً از آن آگاهی نداشته باشند یا دسترسی اشخاص به اطلاعات مزبور بسادگی میسر نباشد؛ ب) به خاطر محرمانه بودنش، دارای ارزش تجاری باشد؛ ج) شخصی که قانوناً کنترل اطلاعات مزبور را در اختیار دارد، حسب اوضاع و احوال، اقدامات معقولی را برای محرمانه نگاه داشتن آن به عمل آورده باشد.

براساس تعاریف فوق، می توان این تعریف را برای اسرار تجاری پیشنهاد کرد:

اسرار تجاری، به دانش فنی محرمانه و اطلاعات مفید در امر تجاری اطلاق می شود که برای اجرای فعالیت های صنعتی خاص و یا برای گسترش فنون سودمند یک هدف صنعتی ضرورت دارند و باید از طریق اتخاذ اقدامات متعارف، محرمانه نگهداری شوند.

با عنایت به تعریف مذکور، می توان بر اساس معیارهایی چون ارزش اقتصادی اطلاعات موجود در شرکت، میزان سادگی و دشواری دسترسی به اطلاعات، میزان تدابیر امنیتی شرکت برای مراقبت از اطلاعات، میزان ارزش اطلاعات برای شرکت و رقبای شرکت آن، میزان وقت و تلاش و پول صرف شده برای توسعه اطلاعات، اسرار تجاری را از سایر اطلاعات تمیز داد. بر اساس این معیارها، اطلاعاتی نظیر اطلاعات فنی راجع به تحقیق و توسعه شامل اطلاعات فنی تخصصی، اطلاعات اختصاصی راجع به تحقیق و توسعه (R & D)^۱، فورمول ها و ترکیبات، نمونه ها، فرایندها، نوشته های کتابخانه ای، اطلاعات تجربی، اطلاعات تحلیلی، محاسبات، طرح ها از همه نوع، نمودارها از همه نوع، اطلاعات راجع به

طرح‌ها، اطلاعات مربوط به عرضه، گزارش‌های مربوط به R & D؛ اطلاعات راجع به تولید / فرایند شامل اطلاعات مربوط به قیمت/ هزینه، تکنولوژی تولید / فرایند؛ اطلاعات کنترل کیفیت شامل شیوه کنترل کیفیت؛ اطلاعات راجع به فروش و بازاریابی شامل اطلاعات تخصصی راجع به شیوه فروش و بازاریابی، طرح‌های توسعه و فروش و بازاریابی؛ اطلاعات مالی داخلی شامل اطلاعات مدیریت، اسناد مالی داخلی، بودجه‌ها و هزینه تولید و اطلاعات اختصاصی اداری شامل اطلاعات اداری و تصمیم‌گیرندگان کلیدی را از مهمترین مصادیق اسرار تجاری دانست.

۲-۱. تاثیر محیط دیجیتالی بر دایره مفهوم اسرار تجاری

اما گسترش فضای دیجیتالی بویژه توسعه اینترنت در سراسر جهان، بر قلمرو مصادیق اسرار تجاری افزوده است؛ از این رو، در کشورهای پیشرفته که حجم بالایی از تجارت، به صورت الکترونیکی انجام می‌شود، از سال‌ها قبل تلاشهایی صورت گرفت تا در تعریف قانون از اسرار تجاری، به اسرار تجاری الکترونیکی (یعنی اسراری با هر محتوا که از طریق داده پیام ارسال می‌گردد) نیز اشاره شود. قانونگذار ایالات متحده آمریکا در این زمینه پیشگام بود و با وضع قانون جاسوسی اقتصادی آمریکا مصوب ۱۹۹۶^۱، گام مهمی در جهت حمایت حقوقی از اسرار تجاری در محیط دیجیتالی برداشت. این قانون، که دایره تعریف اسرار تجاری را به محیط مجازی نیز توسعه داده است، در بند ۳ ماده ۱۸۳۹ خود مقرر می‌دارد: «اسرار تجاری به کلیه اشکال و انواع اطلاعات مالی، تجاری، علمی، فنی، اقتصادی یا مهندسی اطلاق می‌گردد که شامل الگوها، برنامه‌ها، ترکیبات، ابزارهای برنامه‌ای، فرمولها، طرح‌ها، مدل‌های اولیه، شیوه‌ها، فنون، فرایندها، آیین‌ها، برنامه‌ها یا کدها- خواه ملموس باشند و خواه غیر ملموس و به هر نحو که ذخیره یا تهیه و گردآوری شده باشند یا به طور فیزیکی، الکترونیکی، گرافیکی، عکاسی یا مکتوب ضبط شده باشند اگر: الف) مالک آن، اقدامات متعارفی را برای محرمانه نگه داشتن چنین اطلاعاتی اتخاذ کرده باشد؛ ب) اطلاعات دارای ارزش بالقوه یا بالفعل مستقل بوده، عموماً از آن مطلع

1. Economic Espionage Act (1996).

نبوده و عموم امکان دسترسی به آنها را از طریق وسایل معمولی نداشته باشد.^۱

۲. معیارهای تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی: مطالعه تطبیقی

حال که با مفهوم اسرار تجاری الکترونیکی آشنا شدیم، وارد این بحث اساسی و بسیار مهم می‌شویم که اگر اسرار تجاری یک شخص در کشور دیگر توسط یک شخص حقوقی یا حقیقی خارجی نقض شود، کدام مرجع صالح به رسیدگی است. همانطور که در توضیحات مقدماتی ذکر شد، این موضوع یکی از موضوعات محوری در حقوق بین‌الملل خصوصی است و تعیین مرجع صالح در این حوزه با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های فنی بسیاری روبرو می‌باشد چرا که حقوق بین‌الملل خصوصی بیش از آنکه دارای وصف بین‌المللی باشد، دارای وجهه خصوصی است یعنی روابط خصوصی افراد را در سطح بین‌المللی بررسی می‌کند و این جنبه باعث می‌شود تا هر کشور بر اساس قوانین و مقررات ملی خود، در صدد تعیین دادگاه صالح بر آید و تفاوت قوانین داخلی کشورها با یکدیگر، باعث بروز تعارضات فراوان میان قوانین کشورها شده است^۲؛ وانگهی قواعد حمایتی حقوق مالکیت فکری چه در محیط فیزیکی و چه در محیط دیجیتالی، مبتنی بر اصل سرزمینی بودن^۳ است که به موجب آن، برای تعیین حمایت از مصادیق مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری، باید ملاک را قوانین کشوری دانست که حمایت در آنجا مطالبه شده است.^۴ این وابستگی حقوق مالکیت فکری به قوانین داخلی کشورها، تعارض قوانین را بیش از پیش سبب شده است.

مشکلات و پیچیدگی‌های ناشی از رفع تعارض صلاحیت دادگاه‌ها، مقامات کشورهای مختلف را بر آن داشت تا با وضع قوانین متحدالشکل در زمینه مسائل مختلف مدنی و بویژه تجاری، گامی مهم در راه کاهش تعارض صلاحیت‌ها و حل سریع‌تر و کارا تر اختلافات

1. www.tscm.com/USC18_90.html, (2009).

2. Battifol and Lagarde, (1993), pp.17-31.

3. Principle of Territoriality.

4. WIPO, (2009), p.5.

بردارند. با این حال، تاکنون در خصوص تعیین مرجع صالح و قانون حاکم بر دعاوی نقض مالکیت فکری در محیط دیجیتالی، مقررات یا کنوانسیون بین‌المللی خاصی تهیه و تصویب نشده است. البته سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، از دو تن از صاحب‌نظران برجسته به نام‌های پروفیسور دربی فوس^۱ و پروفیسور گینسبورگ^۲، خواست تا پیش‌نویسی در این خصوص تهیه کنند. با این حال پیش‌نویس تهیه شده که «پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی راجع به صلاحیت و شناسایی احکام در مسائل مالکیت فکری»^۳ نام دارد، تاکنون تصویب نشده است.^۴ با عنیات به این خلا ناگزیر باید به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای موجود در زمینه تعیین صلاحیت محاکم در امور تجاری - که حاوی موادی در زمینه مالکیت فکری نیز هستند - استناد جست. که این بررسی، موضوع بخش‌های اول و دوم این گفتار است بدین ترتیب که در بخش اول، مهمترین کنوانسیون منطقه‌ای مرتبط با موضوع مورد بحث یعنی کنوانسیون بروکسل دو راجع به صلاحیت و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و تجاری (مصوب ۲۰۰۱)^۵ بررسی خواهد شد؛ و در بخش دوم، مهمترین کنوانسیون بین‌المللی یعنی کنوانسیون لاهه راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی (لازم الاجرا از ۱۹۵۵) و کنوانسیون پیشنهادی لاهه (۱۹۹۹) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما چون این کنوانسیونها به حل اختلاف مالکیت فکری در محیط دیجیتالی اختصاص ندارند، لذا در بخش سوم، به مهمترین توصیه‌های وایپو در زمینه دعاوی مالکیت فکری در محیط دیجیتالی و جدیدترین تحولات آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱. معیار تعیین دادگاه صالح بر اساس کنوانسیون بروکسل دو

کنوانسیون بروکسل یک در سال ۱۹۶۸ تصویب و در خصوص کشورهای اروپایی

1- Rochelle C. Dreyfuss.

2- Jane C. Ginsburg.

3- Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgment in Intellectual Property Matters; AA: <http://lawreview.kentlaw.edu/articles/77-3/Dreyfuss-Ginsburg%20Final1.pdf>, (2010).

۴. علاقمندان برای آشنایی بیشتر با این پیش‌نویس فنی، ر.ک: صادقی و رجاییان، (۱۳۸۷).

5-Brussels II Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters.

عضو این سند، حاوی مقررات متحد الشکلی در زمینه حقوق بین المللی خصوصی در امور مدنی و تجاری بود. تا اینکه این سند، توسط دستورالعمل اتحادیه اروپا به شماره ۴۴/۲۰۰۱ راجع به صلاحیت و شناسایی اجرای آرا در زمینه امور مدنی و تجاری مصوب ۲۰۰۱ موسوم به کنوانسیون بروکسل دو، مورد بازنگری قرار گرفت و هرچند غالب احکام آن مشابه کنوانسیون بروکسل یک است، اما امروزه در میان کشورهای اروپایی عضو، کنوانسیون شماره دو لازم الاتباع است لذا ما نیز به این سند اشاره می‌کنیم.

کنوانسیون بروکسل دو که از مارچ ۲۰۰۲ لازم الاجرا شده است، حاوی معیارهای کلی تعیین دادگاه صالح در امور مدنی و تجاری می‌باشد، در نتیجه این معیارها در خصوص تعیین دادگاه صالح رسیدگی به دعاوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی نیز قابل اعمال است چرا که این کنوانسیون در زمینه امور تجاری در هر محیطی از جمله فیزیکی و دیجیتالی قابلیت اعمال دارد. با این حال، قلمرو این سند با این محدودیت روبروست که تنها در دعاوی ای که طرف دعوی تبعه یا مقیم یکی از کشورهای متعاقد کنوانسیون است، اعمال می‌گردد.^۱ برای مثال، در نظام حقوقی انگلستان، قواعد راجع به تعیین صلاحیت دادگاه در دعاوی نقض اسرار تجاری طبق مقررات این کنوانسیون صورت می‌پذیرد مشروط بر آنکه خواننده دعوی، مقیم یکی از کشورهای عضو کنوانسیون بروکسل باشد.

در هر حال، کنوانسیون مورد بحث با بیان یک اصل کلی در ماده ۲ خود، معیار تعیین صلاحیت را دادگاه کشور محل اقامت خواننده مقرر می‌دارد لذا اگر نقض کننده اسرار تجاری الکترونیکی در کشور الف مقیم باشد، دادگاه آن کشور صالح به رسیدگی است؛ با این حال صلاحیت مقرر در این اصل کلی با استفاده از مواد بعدی یعنی مواد ۵ تا ۱۸ تکمیل می‌گردد که از این میان، بندهای یک و سه ماده ۵ و بند چهار ماده ۱۶، به دعاوی بین المللی مالکیت فکری ارتباط مستقیم دارد. بند چهار ماده ۱۶ به موضوع مقاله ما مربوط

۱. محدودیت دیگر وارد بر قلمرو کنوانسیون بروکسل آن است که طبق ماده ۱۵۷ این سند، سایر کنوانسیونهایی که بین دول عضو اتحادیه اروپا درباره صلاحیت یا شناسایی و اجرای احکام منعقد شده اند مانند کنوانسیون اروپایی حق اختراع، در صورت تعارض، بر کنوانسیون بروکسل تقدم دارند؛ با اینحال چون در زمینه اسرار تجاری، کنوانسیون منعقد نشده است، این محدودیت بر کنوانسیون بروکسل وارد نیست و از این رو در متن مقاله به این محدودیت اشاره نکردیم.

نمی‌شود چرا که این بند به صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها در دعاوی راجع به ثبت یا اعتبارات اختراع، علائم تجاری، طرح‌ها یا دیگر حقوق مشابهی که باید تودیع و ثبت شوند می‌پردازد در حالیکه اسرار تجاری برای آنکه بصورت سرّ باقی بمانند نباید تودیع یا ثبت گردند. اما بندهای یک و سه ماده پنج، در خصوص اسرار تجاری الکترونیکی نیز قابل اعمال بوده و اولی در فرض قرارداد و دومی در فرض مسئولیت مدنی به ارائه معیار برای تعیین صلاحیت دادگاه پرداخته‌اند. لذا این بخش را در دو قسمت ارائه خواهیم داد و این دو فرض را بررسی خواهیم کرد:

الف) دادگاه صالح در فرض وجود قرارداد معتبر

بر اساس بند یک ماده ۵ کنوانسیون بروکسل دو، در امور مرتبط با یک قرارداد، مکان اجرای تعهد متنازع فیه تعیین می‌کند که کدام دادگاه صالح است و اگر قرارداد متضمن تعهدهای مختلف باشد، دعوی باید در دادگاه کشوری اقامه شود که مبنای دعوی را تشکیل می‌دهد و اگر مبنای دعوی از چند تعهد تشکیل شده باشد، معیار، تعهد اصلی قرارداد است. بر این اساس، اگر صاحب یک شرکت اینترنتی با انعقاد موافقت‌نامه عدم افشا^۱ با یکی از کارکنان خود، از او تعهد بگیرد که اسرار تجاری الکترونیکی شرکت را در اختیار شرکت‌های طرف قرارداد و در دسترس سایر افراد خارج از شرکت قرار ندهد، اما بعدها از اجرای تعهد خود سرباز زده و اطلاعات را از طریق ایمیل شرکت در اختیار طرف قرارداد آلمانی قرار دهد، صاحب سرّ تجاری به عنوان خواهان می‌تواند در دادگاه مکان اجرای تعهد یعنی دادگاه اقامتگاه شرکت طرح دعوی نماید؛ همچنین اگر مفاد قرارداد بگونه‌ای تنظیم شده باشد که حاوی چند تعهد برای متعهد باشد، معیار تعیین دادگاه صالح، این است که کدام تعهد مورد نقض قرار گرفته و در صورت نقض هر دو تعهد، باید تعهد اصلی قرارداد یعنی تعهد به عدم افشا را مدنظر قرار داد برای نمونه صاحب سرّ، کارمند خود را ملزم ساخته باشد که علاوه بر عدم افشای اسرار برای شرکت‌های رقیب، تدابیر فنی مناسب را برای انتقال محرمانه اسرار تجاری به شرکت مورد اعتماد اتخاذ کند و کارمند، تعهد به عدم افشا را نقض نماید، ملاک تعیین دادگاه صالح، دادگاه محل اجرای

تعهد نقض شده است.

ب) فرض مسئولیت مدنی

این فرض در جایی پیاده می‌شود که یا قراردادی میان صاحب سر تجاری و نقض کننده حق وجود ندارد یا قرارداد منعقد شده، بی اعتبار بوده یا اعتبار آن، منقضی شده است. معیار تعیین دادگاه صالح در این فرض را بند سوم ماده ۵ کنوانسیون بروکسل بیان نموده است. مطابق این بند، دادگاه کشور محل وقوع حادثه زیانبار، صالح به رسیدگی است. با این حال این معیار از ابهامی مفهومی برخوردار است زیرا مشخص نکرده است که منظور از محل وقوع حادثه زیانبار، محلی است که خسارت ناشی از نقض حق بروز پیدا می‌کند یا محلی است که حادثه منشا ورود خسارت، در آنجا اتفاق افتاده است. برای نمونه، اگر الف، اسرار تجاری الکترونیکی شرکت ب را در کشور ج افشا کند اما خسارت ناشی از افشا، به شعب آن شرکت در کشور د وارد شود، آیا باید دادگاه محل افشای سر را صالح دانست یا دادگاه محل ورود خسارت را؟ این ابهام باعث گردید تا دیوان دادگستری اروپا^۱ در تفسیری که از این بند در پرونده Alliance v. Shevill^۲ ارائه کرد هر دو دادگاه را صالح دانست و اختیار طرح دعوی در هر یک را به دست خواهان سپرد^۳. همچنین برخی حقوقدانان بر این عقیده اند که محل وقوع فعل زیانبار، شامل محل حادثه منشا زیان هم می‌شود.^۴

نکته قابل توجهی که در این زمینه در کنوانسیون بروکسل یک مطرح بود آن بود که اگر خسارات وارد شده به صاحب اسرار تجاری در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته بود، خواهان بایست در دادگاه هر کشور بابت همان میزان خسارات وارده طرح دعوی می‌کرد و دادگاه آن کشور تنها تا میزان خسارات وارد در آن کشور صالح به رسیدگی بود نه همه خسارات. بی تردید این معیار در محیط دیجیتالی بسیار مشکل آفرین است و می‌تواند برخلاف حمایت از صاحب حق تلقی شود چرا که با افشای سر تجاری در اینترنت، امکان

1. European Court of Justice

2. The case no. [1995] ECR I--415

3. Germa Tonny Driessen, (2001), p.2.

دسترسی میلیون‌ها کاربر در سراسر جهان فراهم شده و ممکن است بخشی از خسارات در هر یک از کشورهای دنیا به وقوع بپیوندد. به دلیل همین انتقادات وارده، اعضای کنوانسیون بروکسل یک در اصلاحی که به موجب دستور العمل سال ۲۰۰۱ در این کنوانسیون اعمال کردند، از رویه کنوانسیون پیشنهادی لاهه-که در ادامه بدان می‌پردازیم- تبعیت کرده و مقرر داشتند که دادگاه محل ورود بخشی از خسارات، می‌تواند در خصوص کلیه خسارات وارده تصمیم‌گیری کند. دیوان دادگستری اروپا هم در یکی از آرای خود چنین استدلال کرد که محدود شدن صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت در محیط فیزیکی، قابل اعمال در محیط اینترنتی نیست چرا که محیط اینترنتی، محیطی جهانی و فاقد مرز است و در حکم یک سرزمین محسوب می‌شود، لذا باید از سرزمینی کردن خسارات خودداری کرد چون سرزمینی کردن، با اوصاف محیط فیزیکی سازگار و منطبق است؛ از این رو، اگر صاحب اسرار تجاری در محیط دیجیتالی دچار زیان گردد، دادگاه یکی از کشورهای که خسارت در آن وارد شده است، می‌تواند به کلیه خسارات حتی در کشورهای دیگر رسیدگی نماید و این از ویژگی‌های خاص این محیط است.^۱ این تفسیر در آرای بسیاری از دادگاه‌های کشورهای اروپایی راه یافت و دادگاه‌های ملی این کشورها در برخی آرای خود در زمینه نقض مصادیق مختلف حقوق مالکیت فکری در محیط دیجیتالی^۲، صلاحیت دادگاه‌ها را توسعه دادند.^۳

۲-۲. معیار تعیین دادگاه صالح بر اساس کنوانسیون لاهه

کنوانسیون لاهه که با هدف تلاش کشورها برای یکنواخت‌سازی قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی و کاهش تعارضات در زمینه دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعاوی بین‌المللی منعقد گردید، منبع اصلی قواعد بین‌المللی در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی محسوب می‌گردد.^۴ در سال ۱۹۹۲، ایالات متحده آمریکا پیشنهاد داد تا کنوانسیون

1. WIPO, op.cit., p.7.

2. For instance in France, see: SG2 v. Brokat Informationssysteme GmbH, Nanterre Court of Appeals (1996), See also VEJF and LICRA v. Yahoo! Inc. and Yahoo France, Ordonnance of November 20, 2000, Tribunal de Grande Instance de Paris.

3. <http://www.legalis.net>, (2010).

4. WIPO, op.cit., p.3.

پیشنهادی در زمینه شناسایی و صلاحیت آرای محاکم خارجی در زمینه امور مدنی و تجاری تهیه شده و در آن تعارضات راجع به صلاحیت محاکم در دعاوی مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری حل گردد؛ البته این پیشنهاد مورد توجه بسیاری از اعضا قرار نگرفت؛ اما برخی مواد آن، به این حقوق از جمله اسرار تجاری اختصاص یافته است. ماده ۳ این سند همانند کنوانسیون بروکسل، اصل را در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی، بر صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده دعوی گذارده است. با این حال ماده ۶ کنوانسیون در مواردی که میان صاحب حق و نقض کننده آن رابطه قراردادی وجود داشته و در فرض مسئولیت مدنی، قائل به صلاحیت اضافی شده است^۱ و ما در ادامه در قالب دو فرض بدان می‌پردازیم:

الف) دادگاه صالح در فرض وجود قرارداد معتبر

بر اساس ماده ۶ کنوانسیون لاهه، دعاوی ناشی از قرارداد، در دادگاه‌های کشوری قابل طرح است که اجرای تعهد اصلی ناشی از قرارداد کلی یا جزئی در آنجا صورت پذیرفته است. بنابراین اگر تعهد متعهد در قرارداد با صاحب اسرار تجاری نقض شده باشد، ملاک دادگاهی است که اجرای تعهد اصلی کلاً یا جزئاً باید در آنجا صورت می‌گرفته است. تفاوت این کنوانسیون با کنوانسیون بروکسل یک در این است که در کنوانسیون لاهه، به اینکه اجرای جزئی یا کلی تعهد تأثیری در صلاحیت محلی دادگاه صالح به رسیدگی ندارد، تصریح شده است در حالیکه این صراحت از کنوانسیون بروکسل یک بر نمی‌آید و تردیدهایی در تفسیر بند یک ماده ۵ بجا گذارده است.

صلاحیت دادگاه در فرض وجود قرارداد معتبر در یک مورد استثنا می‌خورد و آن در جایی است که به موجب شرط قراردادی میان صاحب اسرار تجاری و متعهد، طرفین بر دادگاه محل دیگری توافق کرده باشند در این حالت به استناد ماده ۴ کنوانسیون لاهه، تمامی دعاوی مرتبط با این قرارداد باید در نزد دادگاه منتخب طرح گردد. این موضوع در کنوانسیون بروکسل مورد توجه قرار نگرفته است و ماده ۴ کنوانسیون لاهه، از دیگر

۱. بند ۴ ماده ۱۲ این کنوانسیون راجع به تعیین صلاحیت انحصاری برای دادگاه‌های کشوری است که موضوع مالکیت فکری در آنجا تودیع یا ثبت شده است و چون این بند در خصوص اسرار تجاری صدق پیدا نمی‌کند، بنابراین به آن نمی‌پردازیم.

تفاوت‌های کنوانسیون مزبور با کنوانسیون بروکسل است.

ب) فرض مسئولیت مدنی

در بخش اول دیدیم که در خصوص معیار تعیین دادگاه صالح در فرض مسئولیت مدنی، انتقاداتی به کنوانسیون بروکسل وارد شد؛ از این رو، کنوانسیون پیشنهادی لاهه، این ابهام را بر طرف ساخته و در بند یک ماده ۱۰ خود تصریح می‌کند که در این فرض، یکی از دو دادگاه کشوری که فعل یا ترک فعل موجب ضرر در آن رخ داده باشد یعنی دادگاه کشور منشا زیان یا دادگاه کشور محل ورود زیان، صالح به رسیدگی می‌باشند. بنابراین کنوانسیون حاضر به صاحب اسرار تجاری این اختیار را می‌دهد که در دعوای مدنی خود، یکی از این دو دادگاه را برای احقاق حق برگزیند. البته این اختیار در صورتی است که نظام حقوقی این دو کشور، اسرار تجاری در محیط دیجیتالی را مورد حمایت قرار داده باشند و الا خسارت تنها در دادگاه کشوری قابل مطالبه است که اسرار تجاری مزبور را حمایت می‌کند.

اما نکته چالش برانگیز در خصوص معیار فوق آن است که هر چند بند یک ماده ده، معیار تعیین دادگاه صالح را روشنی بیان داشته است، اما اعمال این معیار در عمل و به ویژه در محیط دیجیتالی بسیار دشوار است زیرا احراز اینکه خسارت در کجا ایجاد شده است، غالباً مشکل بوده و می‌تواند باعث بروز اختلاف صلاحیتی میان دادگاه‌های کشورهای مختلف گردد؛ بنابراین برای رفع این دشواری، چندین راهکار پیشنهاد شد که حتی برخی از این پیشنهادها از سوی محاکم ملی بعضی کشورها مورد استناد قرار گرفت. ما در ادامه به چند مورد از این راهکارهای پیشنهادی اشاره می‌کنیم:

بر اساس راهکار نخست که در رای یکی از محاکم آمریکایی مورد استناد قرار گرفت^۱، برای تشخیص محل وقوع خسارت و به تبع آن تعیین دادگاه محل وقوع خسارت، باید دید عمل زیانبار آیا محل خاصی را هدف قرار داده است یا خیر؛ به تعبیر دیگر، آیا وب سایت خواننده با حوزه قضایی دادگاه، ارتباط کافی و موثر را

1. 1996, Fed, App.0032 p (6th cir).

دارد یا خیر؛ در این صورت، دادگاه محل هدف، صالح به رسیدگی است.^۱ در پرونده United States v. Thomas^۲ دادگاه مقرر داشت که هر چند عمل نقض کننده حق مالکیت فکری، در کالیفرنیا صورت گرفته و صفحه الکترونیکی در این ایالت نمایش داده شده است، اما چون صفحه به ایالت تنسی ارسال شده و در آنجا در دسترس عموم قرار گرفته است، لذا دادگاه تنسی صالح به رسیدگی به این دعوای الکترونیکی است.^۳ اما این راهکار با چند انتقاد روبرو شد از جمله آنکه تشخیص دادن هدف ناقض حق در بسیاری از موارد دشوار و غیرممکن است؛ وانگهی، گاه هدف واقعی ناقض حق با آنچه رخ داده در تعارض است برای مثال ناقض حق با هدف افشای اسرار تجاری، قصد دارد مطالب را به یک ایالت بفرستد اما آن را به ایالت دیگر ارسال می کند؛ معیار ارائه شده توسط دادگاه فوق مشخص نمی کند که در این فرض باید قصد واقعی ناقض را در نظر گرفت یا آنچه در ظاهر اتفاق افتاده است.

راهکار پیشنهادی دیگر در انگلستان مورد استفاده قرار گرفته است، بدین ترتیب که اگر خواهان یعنی صاحب سر تجاری، دعوای خود را هم علیه نقض کننده اصلی اقامه کند و هم علیه ارائه دهنده خدمات اینترنتی (ISPs)^۴ یعنی شخصی که ناقض حق را در افشای سر یا ورود خسارت به خواهان، یاری کرده است، اگر محل ورود خسارت دقیقاً مشخص نباشد می توان در دادگاه محل اقامتگاه یا تجارتخانه ارائه دهنده خدمات اینترنتی طرح دعوی نمود.^۵ اما این راهکار نیز چون تنها در فرض محدودی راهگشا می باشد، مورد انتقاد برخی صاحب نظران قرار گرفت و به عنوان راهکار جایگزین این تفسیر را پیشنهاد داده اند که مراد از دادگاه کشور محل ورود خسارت، دادگاه کشوری است که خواهان در آنجا طرح دعوی کرده است.^۶

در هر حال، بواسطه جدید بودن بحث، هنوز راهکار مورد اتفاق کشورها ایجاد نشده

1. Rice, (2002).

2. Ray, (1999), p.14.

۳. همچنین مراجعه کنید به پرونده:

Cybersell Inc. v. Cybersell inc., {1997}, 130 F. 3d 414 (9th Cir.)

4. Internet Services Providers.

5. Chissick and Kelman, (2002), p.119.

6. Germa Tonny Driessen, op.cit, p.11.

است. اما صرفنظر از این دشواری، یکی از برتری‌های قابل توجه کنوانسیون لاهه نسبت به کنوانسیون بروکسل در فرض مسئولیت مدنی آن است که کنوانسیون لاهه، ایراد کنوانسیون بروکسل را تا حدودی برطرف ساخته است. همانطور که در بخش پیشین گفتیم، طبق کنوانسیون بروکسل، اگر خسارات وارد شده به صاحب اسرار تجاری، در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته باشد، خواهان باید در دادگاه هر کشور بابت همان میزان خسارات وارده طرح دعوی کند و دادگاه آن کشور تنها تا میزان خساراتی صالح به رسیدگی است که در آن کشور وارد شده است نه همه خسارات وارده در تمام کشورها. بند ۴ ماده ۱۰ کنوانسیون پیشنهادی لاهه با اصلاح نسبی بند سوم ماده ۵ کنوانسیون بروکسل مقرر می‌دارد که اگر خواهان دعوی (در فرض ما، صاحب اسرار تجاری)، در یکی از کشورهای محل ورود خسارت، دارای اقامتگاه معمولی نه موقتی باشد، دادگاه آن کشور صالح است تا علاوه بر خسارات وارد بر خواهان در آن کشور، نسبت به سایر خسارات وارد در کشورهای دیگر نیز رای صادر کند که این اصلاح، گام مهمی در حمایت از صاحبان حقوق مالکیت فکری در اینترنت محسوب می‌شود.

۲-۳. اقدامات و توصیه‌های سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) در زمینه حل اختلاف اسرار تجاری در محیط دیجیتالی

وایپو علاوه بر فراهم‌سازی مقدمات تهیه پیش‌نویس کنوانسیون شناسایی و اجرای آرا در زمینه مالکیت فکری، اقدام به ایجاد و توسعه مراکز ویژه برای حل و فصل اختلافات کرده است تا از این طریق، به کاهش تعارضات صلاحیت محاکم در دعاوی دیجیتالی نقض مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری کمک کند. مرکز داوری و میانجیگری وایپو (WAMC)^۱ از جمله این مراکز است که از مدت‌ها قبل با این نیت تاسیس شده است تا با جایگزین کردن شیوه‌های جایگزین حل اختلاف (ADR)^۲، اصحاب دعوی را از ورود به مسائل پیچیده تعارض صلاحیت محاکم در دعاوی بین‌المللی برهاند. منظور از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف در معنای عام کلمه، کلیه راه‌های حل و فصل اختلافات از طریق

1. WIPO Arbitration and Mediation Center.

2. Alternative Dispute Resolution.

اشخاص خصوصی و خارج از جریان دادگاه می‌باشد و داوری^۱، میانجیگری^۲، سازش^۳ و مذاکره^۴، از مهمترین و رایج‌ترین این شیوه‌ها به شمار می‌آید^۵. واپسو از آن رو اصحاب دعاوی مالکیت فکری را به استفاده از این شیوه‌ها ترغیب می‌کند تا اولاً: طرفین دعوی دچار تشریفات آیین دادرسی محاکم ملی و مقوله تعیین صلاحیت رسیدگی نشوند، ضمن آنکه دعاوی آنها توسط اشخاص خصوصی منتخب و متخصص کار در زمان سریعتر و غالباً با هزینه کمتر حل و فصل می‌گردد و این امر در برخی مصادیق مالکیت به‌ویژه اسرار تجاری برای صاحبان آنها بخصوص بازرگانان دارای ارزش اقتصادی فوق‌العاده است. این اهمیت در عرصه دیجیتالی و در فرایند تجارت الکترونیکی، اهمیت بیشتری می‌یابد چرا که اگر اسرار تجاری یک شخص حقیقی یا حقوقی از طریق اینترنت افشا و گسترش یابد با توجه به دسترسی بیش از یک میلیارد کاربر در سراسر جهان، خطرات به مراتب بیشتری نسبت به محیط فیزیکی، صاحب سر تجاری را تهدید می‌کند لذا او باید هر چه سریعتر، دعاوی خود را در مرجع ذی صلاح به نتیجه برساند. در این میان، واپسو برای حمایت از این دسته اشخاص، اختیارات مرکز داوری و میانجیگری خود را توسعه بخشیده و از طریق تجهیزات خاص، دو دسته خدمات حقوقی به صاحبان اسرار تجاری در محیط اینترنتی ارائه می‌دهد: نخست آنکه کلیه اختلافات نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی را از طریق شیوه‌های جایگزین حل اختلاف مورد بررسی قرار می‌دهد البته مشروط بر آن که هر دو طرف دعوی قبل یا پس از بروز اختلاف، مرکز واپسو را به عنوان مرجع ذیصلاح تعیین کرده باشند؛ اما دومین خدمت نوین این مرکز ارائه خدماتی تحت عنوان حل و فصل اختلافات با شیوه‌های جایگزین از طریق اتصال به اینترنت^۶ به اصحاب دعوی است بدین معنا که لازم نیست طرفین اختلاف، در محل رسیدگی به دعوی حضور فیزیکی داشته باشند، بلکه می‌توانند مرکز داوری و میانجیگری واپسو را به عنوان مرجع صالح رسیدگی به

1. Arbitration.
2. Mediation.
3. Conciliation
4. Negotiation

۵. مصلحی و صادقی، (۱۳۸۳)، صص ۱۲۳-۱۵۰.

6. On-Line ADR.

دعوی مدنی تعیین کرده^۱ و از طریق اتصال به اینترنت، برای حل اختلاف خود اقدام نمایند.^۲

۳. نقد و بررسی جایگاه موضوع در حقوق ایران

قواعد حل تعارض صلاحیت محاکم در نظام حقوقی ایران عمدتاً در قانون مدنی و آن هم نه بطور کامل مطرح شده و از آنجا که این بخش از مواد این قانون در سال ۱۳۰۷ تصویب شده است، لذا قانونگذار به بحث تعیین صلاحیت محاکم در محیط دیجیتالی توجه نداشته است. قوانین مالکیت فکری ما نیز عنایتی به بحث تعیین صلاحیت محاکم در دعوی بین المللی چه در محیط فیزیکی و چه در محیط مجازی نداشته‌اند و جالب‌تر اینکه در نظام حقوقی فعلی ما، اساساً قانونی خاص در خصوص حمایت از اسرار تجاری وجود ندارد و بالطبع، مقرراتی نیز در مقوله حل تعارضات در دعوی بین المللی نقض اسرار تجاری در حقوق ما وجود ندارد. با این حال در سال ۱۳۸۲، قانونگذار بر اساس قانون نمونه آنستیرال به تصویب قانون تجارت الکترونیکی مبادرت ورزید و برای نخستین بار، موادی را به اسرار تجاری و بیان مفهوم آن اختصاص داد. طبق ماده ۶۵ این قانون، «اسرار تجاری الکترونیکی «داده پیامی» است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم‌افزارها و برنامه‌ها، ابزارها و روش‌ها، تکنیک‌ها و فرایندها، تالیفات منتشر نشده، روش‌های انجام تجارت و داد و ستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح‌های تجاری و امثال این‌ها است که بطور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است.» این ماده

1. WIPO, op.cit., pp.18-19.

۲. در حوزه حل اختلافات مالکیت فکری خصوصاً علائم تجاری در محیط دیجیتالی، واپسو دستورالعمل‌هایی نیز تهیه کرده است که به دلیل عدم ارتباط آنها با مقوله اسرار تجاری، از ذکر آنها خودداری می‌شود. علاقه‌مندان برای مطالعه این دستورالعمل‌ها می‌توانند به منبع زیر مراجعه کنند:

RECOMMENDATION CONCERNING THE PROTECTION OF MARKS, AND OTHER INDUSTRIAL PROPERTY RIGHTS IN SIGNS, ON THE INTERNET, STANDING COMMITTEE ON THE LAW OF TRADEMARKS, INDUSTRIAL DESIGNS AND GEOGRAPHICAL INDICATIONS, (2009).

هر چند از مصادیقی نام برده است که در محیط فیزیکی نیز مطرح می‌باشند، اما قید «داده پیام»^۱ مذکور در صدر ماده، به خوبی گویای این واقعیت است که قانونگذار ما کلیه مصادیق اسرار تجاری مطرح در محیط فیزیکی را در محیط مجازی نیز قابل اعمال و قابل حمایت دانسته است و به تعبیر دیگر، مصادیق اسرار تجاری را به قسم الکترونیکی آن نیز تعمیم داده است. همچنین طبق ماده ۶۴ قانون مزبور: ((به منظور حمایت از رقابت های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها^۲ و موسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.)) ماده ۷۵ نیز برای نقض اسرار تجاری، ضمانت اجرای کیفری و ماده ۷۸ برای آن مسئولیت مدنی قائل شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود، قانونگذار اقدام به اعطای یک سلسله حقوق ماهوی برای صاحب اسرار تجاری در محیط الکترونیکی کرده است از جمله آنکه اصل حق او را مشمول حمایت انحصاری دانسته و برای نقض کننده حق قائل به مسئولیت کیفری و مدنی شده است با این حال، در هیچ جای این قانون در خصوص نقض اسرار تجاری و سایر حقوق مالکیت فکری مقرر در این قانون، به مقوله تعیین صلاحیت محاکم پرداخته نشده است و با توجه به اینکه این قانون برای محیط الکترونیکی پیش‌بینی شده و بین المللی بودن دعوی در این محیط امری بدیهی و غالب است، لذا سکوت قانونگذار ما نسبت به این امر، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. ماده ۷۷ این قانون نیز که آیین دادرسی مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی (از جمله تعیین دادگاه صالح) را به موجب قانون دانسته است، راهگشا نیست زیرا مشخص نکرده است که این آیین دادرسی بر اساس کدام قانون خواهد بود چرا که در خود قانون تجارت الکترونیکی، هیچ ماده‌ای به بحث تعیین صلاحیت محاکم پرداخته است؛ وانگهی این ماده مختص آیین دادرسی کیفری است نه مدنی.

۱. طبق بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی، **داده پیام، هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل**

الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

۲. بنگاه یا موسسه اقتصادی به معنای سازمان تولیدی یا بازرگانی است که با ترکیب عناصر مالی، فنی، انسانی و تجاری، برای به دست آوردن سود یا ارائه خدمت عمومی به فعالیت در زمینه تولید کالا یا خدمات و یا عرضه آنها به بازار می‌پردازد. (ر. ک.:

میرسعیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

در کنار قوانین فوق، آیین نامه ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی مصوب ۱۳۸۰ شورایی انقلاب فرهنگی، این اشخاص را مکلف به رعایت قواعد حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی ساخته است با این حال در خصوص اینکه در کدام دادگاه می‌توان علیه این اشخاص طرح دعوی کرد، ساکت است و طبیعتاً از آیین‌نامه نیز انتظار حقوقی بیش از این نمی‌توان داشت.

با عنایت به این خلا، ناگزیر باید بر اساس قوانین عام موجود، اصحاب دعوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتال را راهنمایی نمود: بر اساس مبنای دعوی، باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد: نخست- فرضی که میان صاحب اسرار تجاری و نقض‌کننده حق (طرفین دعوی)، قراردادی وجود داشته و مبنای دعوی، مسئولیت قراردادی است و دوم، فرضی که میان طرفین دعوی، قرارداد معتبری وجود ندارد (مسئولیت مدنی). ما این دو فرض را در قالب دو بخش زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۳. فرضی که میان صاحب اسرار تجاری و نقض‌کننده حق (طرفین دعوی)، قراردادی وجود داشته و مبنای دعوی، مسئولیت قراردادی است:

در این حالت، می‌توان از مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ کمک گرفت. مطابق ماده ۱۱ این قانون می‌توان گفت که دعاوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتال باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر در ایران اقامتگاه ندارد در دادگاه محل سکونت موقت خواننده می‌توان اقامه دعوی کرد و هر گاه در ایران اقامتگاه یا محل سکونت موقت ندارد ولی مال غیر منقول دارد (مانند فرضی که در آن خواننده، ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی است که بخشی از تجارخانه او در ایران مستقر است)، می‌توان در دادگاه حوزه مال غیر منقول طرح دعوی نمود. اگر هیچ‌یک از موارد فوق صادق نباشد، حقوق ایران به خواهان دعوی یا صاحب اسرار تجاری اجازه می‌دهد تا در دادگاه محل اقامتگاه خود اقامه دعوی نماید. بر اساس ماده مزبور، اگر صاحب سرّ تجاری در دادگاه ایران طرح دعوی نماید، قاضی مکلف است ابتدا صلاحیت خود را احراز نماید بدین ترتیب که اگر خواننده در ایران، اقامتگاه، محل سکونت موقت یا مال غیر منقول ندارد و خواهان نیز در ایران مقیم

نیست، قرار عدم صلاحیت صادر و پرونده را به دادگاه صالح ارجاع دهد و اگر یکی از معیارهای صلاحیت مقرر در ماده ۱۱ محقق شده باشد، می‌تواند به عنوان دادگاه صالح به پرونده رسیدگی کند. البته صرف صلاحیت دادگاه ایرانی برای رسیدگی به دعوی به معنای قابل اعمال بودن قانون ایران بر دعوی نیست و چه بسا دادگاه ایرانی صالح بوده اما قانون کشور دیگر بر دعوی اعمال گردد.

ماده ۱۱، بیان‌کننده اصل کلی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده دعوی است و از این رو با کنوانسیون‌های مورد مطالعه سازگار است اما ماده ۱۳ در فرض وجود قرارداد، صلاحیت تکمیلی مقرر داشته است. بر اساس مفاد این ماده می‌توان گفت: در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند علاوه بر دادگاه محل اقامت خواننده، به دادگاه حوزه محل انعقاد عقد یا اجرای تعهد نیز رجوع کند. از آنجا که دعوی نقض اسرار تجاری در محیط اینترنتی، جزو دعاوی منقول محسوب می‌گردد، لذا تابع حکم مقرر در ماده ۱۳ می‌باشد چرا که سرّ تجاری خود یک مال منقول می‌باشد و دعوای راجع به آن نیز جز اموال منقول تبعی به شمار می‌آید.^۱ ممکن است ایراد شود که در برخی موارد دعوای نقض اسرار تجاری، غیرمنقول بوده و نمی‌توان آنها را تابع ماده ۱۳ دانست برای مثال اگر شخصی، اسرار تجاری یک کارخانه نوشابه‌سازی را از طریق اینترنت افشا سازد و کارخانه با از دست دادن درآمد خود، دچار ورشکستگی شود، دعوی به دلیل خسارات وارد بر کارخانه، غیرمنقول به شمار می‌آید. اما این ایراد وارد نیست چرا که در تشخیص منقول و غیرمنقول بودن دعوی، باید موضوع مستقیم دعوی را لحاظ کرد و چون در اینجا موضوع مستقیم دعوی، افشای سرّ بوده و خسارات وارد بر کارخانه، نتیجه افشای سرّ تجاری است، لذا دعوی در این فرض نیز منقول به شمار آمده و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۳ آیین دادرسی مدنی است.

۲-۳. فرضی که میان طرفین دعوی، قرارداد معتبری وجود ندارد (مسئولیت مدنی):

چنانکه اشاره شد در برخی کشورها و بر اساس کنوانسیون‌های بروکسل و لاهه، ملاک

۱. برای مطالعه در مورد این نوع اموال منقول؛ ر.ک: کاتوزیان، (۱۳۸۰)، ص ۱۷؛ صفایی، (۱۳۸۲)، ص ۸۰.

در این فرض، دادگاه محل ورود خسارت یا دادگاه محل منشا ورود خسارت است؛ این معیار به دادگاه کمک می‌کند تا در نزدیک‌ترین مکان بتواند وقوع و میزان خسارت را احراز نماید با این حال در حقوق ما، ماده‌ای که دادگاه این دو محل را صالح به رسیدگی بداند، وجود ندارد لذا باید به اصل کلی یعنی صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده استناد جست زیرا این اصل کلی تنها زمانی استثنا می‌پذیرد که قانون بدان تصریح کرده باشد و چون چنین حکمی در قوانین ما نیست لذا باید در مواقع تردید به اصل کلی مراجعه نمود^۱. ممکن است استدلال شود که از رای دیوان عالی کشور به سال ۱۳۱۰ که مقرر می‌دارد دعوی راجع به خسارات اگر ناشی از مال غیر منقول باشد، در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول بررسی خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، توضیح شماره ۴ ماده ۱۸ قانون مدنی)^۲، می‌توان استنباط کرد که این دعوی باید در دادگاه محل وقوع مال اقامه گردد، اما این استدلال کامل نیست زیرا دعوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی، دعوی منقول و خسارات ناشی از نقض نیز منقول به شمار می‌آیند، لذا باید آن را در دادگاه اقامتگاه خواننده طرح کرد. چنانکه مشاهده می‌شود استناد به قواعد کلی آیین دادرسی، هرچند در ظاهر سکوت قانونگذار را مرتفع می‌سازد اما با نگرشی اقتصادی به این قاعده آیین دادرسی مدنی باید گفت که سکوت قانونگذار و استناد اجباری به قاعده اقامتگاه خواننده، راهکاری کارا به شمار نمی‌آید زیرا در دعوی دیجیتالی، خواننده دعوی ممکن است در هر یک از کشورهای جهان مقیم باشد و در کنار دشواری‌های احراز نقض حق و تشخیص نقض کننده حق، مشکلات طرح دعوی در دادگاه اقامتگاه خواننده را نیز باید برای صاحب اسرار تجاری متصور بود؛ به علاوه، این قاعده، هزینه‌های غیراقتصادی بسیاری را بر خواهان بار می‌کند چون او باید در دادگاه اقامتگاه خواننده طرح دعوی نماید و اگر خسارت در محل دیگری به وقوع پیوسته باشد، دادگاه صالح باید با اعطای نیابت قضایی، دادگاه محل وقوع خسارت را نایب خود در احراز خسارت و میزان آن کند و سپس نتیجه حاصل شده به دادگاه صالح ارسال گردد که این امر، هزینه و وقت بسیاری را از خواهان تلف خواهد کرد.

۱. یلحق الظن بالاعم الاغلب.

جمع‌بندی و ملاحظات

۱- از آنجا که محیط دیجیتالی در کنار امتیازات قابل توجهی که برای اشخاص به ویژه تجار به بار آورده است، آنها را با این چالش بزرگ روبرو ساخته که اسرار تجاری آنها در این محیط مورد نقض قرار گرفته و در اختیار میلیون‌ها نفر کاربر قرار گیرد و تشخیص نقض، شناسایی نقض‌کننده حق، میزان خسارات وارده و تعیین اینکه کدام دادگاه صالح به رسیدگی به دعوی بین‌المللی نقض اسرار تجاری در این محیط است، بسیار دشوار بوده و گاه صاحب سر تجاری را از طرح دعوی منصرف می‌کند؛ از این رو، برای کاهش مشکلات ناشی از تعارض صلاحیت محاکم، کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه امور مدنی و تجاری تهیه و پیشنهاد شده است که از مهمترین آنها می‌توان به کنوانسیون بروکسل یک و دو و کنوانسیون پیشنهادی لاهه اشاره کرد همچنین پیش‌نویس سندی در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی در حوزه حقوق مالکیت فکری در محیط دیجیتالی و فیزیکی تهیه شده که هرچند به تصویب نرسیده است، اما اقدامات انجام شده گویای توجه خاص به این مقوله بوده است.

۲- در نظام حقوقی ایران به‌رغم حمایت از اسرار تجاری در محیط دیجیتالی و وجود قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، هیچ حکمی در خصوص تعیین دادگاه صالح ندارد و ناگزیر باید به اصول و قوانین عام مراجعه کرد. در دعوی قراردادی می‌توان به استناد مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، دادگاه اقامتگاه خواننده، دادگاه محل انعقاد عقد و یا دادگاه محل اجرای تعهد قراردادی را صالح به رسیدگی دانست و در دعوی مسئولیت مدنی، دادگاه اقامتگاه خواننده ذی صلاح است. این مواد، بسیار عام بوده و برغم آنکه خلا حقوقی ما در زمینه مورد بحث را تا حدودی رفع می‌کند اما با استانداردهای موجود در بسیاری از کشورها و اسناد مورد تطبیق، ناسازگار بوده و نمی‌تواند به خوبی از صاحبان اسرار تجاری حمایت کند. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد تا قانون تجارت الکترونیکی، مواد مخصوص و روشنی در باب تعیین دادگاه صالح رسیدگی به دعوی در محیط الکترونیکی مقرر دارد و در این زمینه، استفاده از تجربه حقوقی اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی موجود می‌تواند راهگشا باشد.

۳- به منظور تکمیل قانون تجارت الکترونیکی و رفع خلا قانونی پیشنهاد می‌گردد تا قانونگذار در دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی، در فرض وجود قرارداد معتبر میان صاحب اسرار تجاری و ناقض حق، دادگاه محل اقامت خواننده را در کنار دادگاه محل انعقاد عقد یا دادگاه محل اجرای تعهد اعم از اصلی یا غیراصلی به عنوان دادگاه صالح معرفی کند تا با دادن این اختیار نسبتاً وسیع به صاحب حق، از او حمایت کرده باشد. در دعاوی مسئولیت مدنی نیز مقنن می‌تواند دادگاه محل ورود خسارت را صالح به رسیدگی بداند زیرا تا قبل از ورود خسارت، امکان اقامه دعوی در دادگاه وجود نداشته لذا مهمترین رکن دعوی، در این محل تجلی یافته است ضمن آنکه برای تشخیص میزان و نوع خسارات وارده، دادگاه محل وقوع خسارت بهتر می‌تواند این امر را احراز نماید. اگر خسارت، در نقاط مختلف روی داده باشد برای حمایت از صاحب حق می‌توان هر یک از این دادگاه‌ها را صالح به رسیدگی دانست و هر دادگاهی که دعوی ابتدا در آنجا طرح شده است بر اساس سبق ارجاع می‌تواند به سایر دعاوی مرتبط با خسارات نیز رسیدگی نماید.

منابع

- زرکلام، ستار، (۱۳۸۷)؛ حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: نشر سمت.
- صادقی محسن، (۱۳۸۶)؛ حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- صادقی محسن و رجائیان ثمین، (۱۳۸۷)؛ "مبحثی از مباحث حقوق بین الملل خصوصی و مالکیت فکری: بررسی پیش نویس کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای خارجی در مسائل حقوق مالکیت فکری"، مجله موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره جدید، شماره ۴، بهار و تابستان.
- صفایی، سید حسین، (۱۳۸۲)؛ حقوق اشخاص و اموال، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۰)؛ اموال و مالکیت، تهران: نشر دادگستر.
- مصلحی علی حسین و صادقی محسن، (۱۳۸۳)؛ "شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)"، مجله نامه مفید، سال دهم، شماره ۴۶، بهمن و اسفند.
- نوری محمدعلی و نخجوانی رضا، (۱۳۸۲)؛ حقوق تجارت الکترونیکی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- Battifol H and Lagarde P., (1993); *Droit international privé*, 8th ed, Paris.
- Chissick Micheal and Alistair Kelman, (2002); *Electronic Commerce; Law and Practice*, London: Sweet&Maxwell,
- Coollawyer, (2009); *Trade Secret Law*, in:
<http://www.coollawyer.com/webfront/lawlibrary/ip/tradesecret.php>; last visited: 2009/01/04.
- Fox Stephen, (2002); *The Effect of the Internet on Trade in the IP Context*, *WIPO International Conference on IP and E-Commerce*, Tehran, January 15 and 16.
- Halligan R.Mark, (2009); *The Protection of Trade Secrets and the Internet*, in: [http:// rmarkhalligan. Com](http://rmarkhalligan.Com); last visited: 2009/08/06

- Long John, (2003); "The Protection of Commercial Trade Secrets", *European Intellectual Property Review*, Volume 25, October.
- Marieke Germa Tonny Driessen, (2001); *International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property Cases*, Submitted for the Seminar International and Comparative Protection of Intellectual Property, School of Law, Columbia University,.
- Ray C.,(1999); "The Internet and Jurisdiction: The International Experience", in: *Computer Law Association Bulletin*, No. 2.
- Rice D., (2002); "Jurisdiction over E-commerce Disputes: Different Perspectives under American and European Law in 2002," *International Federation of Computer Law Associations*, Berlin, June 7-8.
- Russo Jack, Risch Michael, and Mullarkey Mary E., (2001); *Trade Secrets on the Internet and in Cyberspace, The Law of the Internet in California Seminar National Business Institute* - May 31.
- Strowel A. et Traillie J.P., (1997); *Le droit d'auteur, du logiciel au multimédia*, Brussels: Bruylant.
- WIPO, (2008); *Intellectual Property on the Internet*, available at:www.wipo.int/copyright/ecommerce/en/ip_survey/chap3.html, visited: 2008/04/05.
- WIPO, (2009); *The Role of Private International law and Alternative Dispute Resolution*, AA:
http://www.wipo.int/copyright/en/ecommerce/ip_survey/chap.4.html, last visited: 2009/04/10.
- <http://www.jus.uio.no/lm/brussels.jurisdiction.and.enforcement.of.judgments.in.civil.and.commercial.matters.convention./doc.html>; last visited: 2009/04/10.